PV!

حقه‌ای به اسم قدرت ذهن

به‌آخرهای سال که نزدیک می‌شیم، بعضی‌ها وسط شلوغی خونه‌تکونی و خرید، کاغذ و قلم برمی‌دارن و شروع می‌کنن به برنامه‌ریزی؛ هدف‌های محقق‌نشده، آرزوهای دست‌نیافته، کارهای نکرده. خب این خیلی باحاله ولی گاهی بعضی‌ها تحت‌تأثیر مطالب اینترنتی، کتاب‌های نه‌چندان معتبر و برنامه‌های تلویزیونی، دچار اشتباه میشن؛ «قدرت ذهن». تصوری که سعی شده با این کلمه همراه بشه، چیزیه در حد غول چراغ جادو. «تو به هر چیزی که می‌خوای، می‌رسی. کافیه بهش فکر کنی». و بعد هم لابد، دار ارارام! موفقیت‌ها و روزهای خوب به پیشوازت میان. خب البته که نه! در واقعیت از این خبرها نیست؛ توی ذهن ما غول مهربونی وجود نداره که با نوازش کردنش و باج دادن بهش، آرزوهامون رو برآورده کنه. اگه الان داری برنامه سال جدیدت رو می‌نویسی، خیلی روی این قدرت رویایی حساب باز نکن. اگه هدف و رویای مهمی داری، براش برنامه بریز ولی تو خواب و خیال نرو. چیزی که توی ذهنته، برای شکوفا شدن و کمک کردن بهت، فقط و فقط به سخت‌کوشی نیاز داره. خستگی‌ناپذیری رو تمرین کن، چون هیچ چیز ساده و بی‌زحمتی سر راهت وجود نداره.

نوجوانان عزیز!

سلام. دیگه چیزی به پایان سال ۹۷ نمونده. همین روزهاست که سال نو از راه برسه. سالی که گذشت، همه‌مون کلی بالا و پایین، موفقیت و شکست و خوشی و غم رو تجربه کردیم؛ قد کشیدیم، بزرگ شدیم، چیز یاد گرفتیم. حُسن اش اینه که تو روزها، کنار هم بودیم؛ اومدین پیش‌مون، ما رو به خونه‌هاتون راه دادین. درددل‌هاتون رو برامون فرستادین، ما چیزهایی رو که همیشه دلمون می‌خواست بگیم باهاتون درمیون گذاشتیم. خلاصه تو یک‌سال رفاقت گذشته، خیلی بهمون خوش گذشت. اگه این دوستی متقابلا برای شما هم خوشایند بوده، باعث خوشحالی و افتخاره. باهامون در تماس باشید و بگید دوست دارید «جوانه» رو سالِ آینده، چطوری ببینید.

شماره پیامک ۲۰۰۰۹۹۹
شماره تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶
تلفن تحریریه ۰۵۱۳۷۶۳۴۰۰۰

#حال_خوب

عکس: مرجان دهقان

سینا ۱۴ ساله میگه: «من راه عجیبی برای خوشحال شدن دارم. می‌گردم تو چیزهایی که باعث ناراحتیم میشن، موضوع خنده‌داری پیدا می‌کنم و می‌خندم و این‌طوری غصه‌ام رو از یاد می‌برم».

گپی با نوجوان چابهاری که با حضور در برنامه‌های «فرمول یک» و «عصر جدید» خبرساز شد

قهرمانِ پشتک!

گفت‌وگو

مصطفی میرجانیان | روزنامه‌نگار

هفته پیش وقتی «ساسان پرکان» روی صحنه «عصر جدید» آمد، خیلی‌های‌مان او را می‌شناختیم. بعضی‌های‌مان حتی توی دلمان دعا می‌کردیم که او برنده شود. این نوجوان ۱۶ ساله اهل چابهار، همان کسی است که چندوقت پیش ویدئوهایی از پشتک زدن‌هایش شبکه‌های اجتماعی را ترکاند. البته ماجرای معروف شدن ساسان به همین ویدئو خلاصه نمی‌شود. او قبل از حضور در «عصر جدید» به برنامه «فرمول یک» رفت و برای اولین‌بار در برنامه زنده تلویزیونی با پشتک زدن‌هایش همه را شگفت‌زده کرد. ما این هفته کلی پیگیری کردیم تا ساسان را پیدا کنیم و با او گپ بزنیم. گزارش امروز را از دست ندهید.

کلیپ پربازدید پشتک زدن ساسان را با اسکن کردن این کد ببینید.

یک خوش‌شانسی غیرمنتظره

مایلم بدانم ماجرای ویدئوی ساسان که خیلی هم پربازدید شد، چه بوده است؟ می‌گوید: «چندوقت قبل در مدرسه، مسابقات فوتسال جام فجر برگزار و تیم ما قهرمان شد. بعد از سوت پایان بازی، من که از خوشحالی بال درآورده بودم، در حیاط مدرسه چندبار پشتک زدم. مدیر مدرسه هم که همان موقع از من فیلم می‌گرفت، آن را در فضای مجازی منتشر کرد و چند روز بعد خبر داد که رئیس کمیته ملی المپیک از من دعوت کرده است تا به تهران بروم. من هم که سرازپا نمی‌شناختم از خوشحالی چندبار دیگر هم پشتک زدم. راست اش را بخواهید هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم یک فیلم کوتاه این‌قدر دیده شود اما خب این هم یکی از فواید شبکه‌های اجتماعی است دیگر».

ساسان در برنامه فرمول یک

ژیمناستیک ساحلی

از ساسان می‌پرسم این حرکات نمایشی را از کجا یاد گرفته‌است؟ جواب می‌دهد: «راست اش را بخواهید ژیمناستیک توی خون ماست! به غیر از من، بیشتر خانواده پدری‌ام همگی ژیمناستیک کارند و این حرکات نمایشی برایشان اصلا عجیب نیست. من هم از کودکی به ژیمناستیک و فوتبال علاقه داشتم. البته نه من و نه اعضای خانواده‌ام هیچ‌وقت در این رشته آموزشی ندیدیم. این استعداد ذاتی است اما خودمان تلاش کردیم که آن را از دست ندهیم».

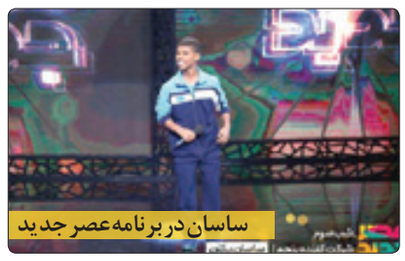

ساسان در برنامه عصر جدید

ساسان ادامه می‌دهد: «چابهار باشگاه ورزشی ندارد. برای همین من از چندسال قبل با یکی عموهایم به ساحل دریا می‌رفتم تا حرکات نمایشی تمرین کنم. البته قبل از این مدتی به یک سالن کشتی می‌رفتم تا روی تشک‌های کشتی، ژیمناستیک یاد بگیرم اما کم‌کم خاک نرم ساحل برایم حکم باشگاه را پیدا کرد. عمویم برای من و بقیه بچه‌های شهر حکم استاد را دارد. او هم مثل خود ما ژیمناستیک را از جایی و از کسی یاد نگرفته اما همان چیزی را که بلد است، به ما یاد می‌دهد. چون بچه‌های شهر ما غریب‌اند و امکانات زیادی ندارند و اگر کسی نباشد که استعداد آن‌ها را بشناسد، بی‌انگیزه می‌شوند». جالب است بدانید ساسان غیر از درس و ورزش، بعد از ظهرها کار می‌کند.

پَساشهرت

سوال بعدی‌ام درباره حس‌وحال مشهور شدن است. ساسان می‌خندد و می‌گوید: «از موقعی که آن کلیپ منتشر شد همه مردم، من را می‌شناسند. تا حالا بارها اتفاق افتاده که آدم‌های مختلفی به محل کارم آمده و همین که من را دیده‌اند تعجب‌زده سراغم آمده اند تا با هم سلفی بگیریم. از وقتی به تهران و به «عصر جدید» رفتم، خیلی‌ها وعده دادند حمایتم کنند. مثلا اسپانسر برنامه «عصر جدید» قول داد که حامی‌ام باشد تا زمانی که به تیم ملی برسم. مسئولان چابهار هم هر کدام‌شان قول‌هایی داده‌اند که فضایی برای ورزش بچه‌ها فراهم کنند. خدا را شکر از همان موقع شرایط خیلی بهتر شده‌است. البته مقداری طول می‌کشد تا این وعده‌ها عملی شود اما همین که پیگیر هستند، خوشحال کننده است». دوست باانگیزه‌مان ادامه می‌دهد: «وقتی به برنامه «عصر جدید» رفتم، همان جا گفتم که خواسته‌ام یک چیز است؛ این که یک باشگاه ورزشی در شهرمان راه‌اندازی شود. چون آرزو دارم که به تیم ملی ژیمناستیک بروم و به جایی برسم که پرچم کشورم را بالا ببرم و بقیه همشهری‌هایم هم به آرزوی‌شان برسند. بچه‌هایی که در شهرهای کوچک و دور زندگی می‌کنند، آن‌چنان دیده نمی‌شوند درحالی که کارهای جالبی بلدند و استعدادهای زیادی دارند».

دریچه

آیا هضم آدامس هفت سال زمان می‌برد؟

خیر! هضم آدامس هفت سال زمان نمی‌برد چون در حقیقت هرگز هضم نخواهد شد! گذشته از مقداری مواد شیرین کننده و معطر چیز زیادی در آدامس وجود ندارد که بدن انسان قادر به هضم آن باشد. قسمت اصلی آدامس از پلیمر منعطفی به نام «الاستومر» ساخته شده که با گلیسیرین و افزودنی‌هایی از جنس روغن نباتی ترکیب شده‌است. بدن انسان به سختی می‌تواند چیز زیادی از این ترکیب را هضم کند. زمانی هم که نتواند این مواد را هضم کند، آن را دفع خواهد کرد. البته این موضوع به این معنی نیست که قورت دادن آدامس کار درستی است؛ چون قورت دادن مقدار زیادی از این مواد خوراکی می‌تواند باعث انباشت آن‌ها و مسدود شدن مسیر لوله گوارش شود. در ضمن آدامس به دیواره معده و روده شما نمی‌چسبد اما با توجه به خطر بند آمدن راه روده باز هم توصیه می‌کنیم بهتر است آدامس‌تان را به جای قورت دادن تف کنید، البته در سطل زباله!

منبع: مجله دانستنی‌ها

چه خبر؟

ساخت پایگاهی برای اقامت در ماه

شرکت فضایی «اسپیس ایکس» پس از فرستادن موفقیت‌آمیز فضاپیمای «دراگون» تصمیم به ساخت اقامتگاهی در کره ماه برای انسان‌ها گرفته‌است. براساس طرحی که آقای «ایلان ماسک» مدیر این شرکت فضایی درنظر گرفته، قرار است یک پایگاه دایمی برای استقرار انسان‌ها روی کره ماه ساخته شود. این شرکت که همواره ایده‌های جذابی برای سفر به ماه داشته، قرار است این طرح را با کمک ناسا به انجام برساند. گفته می‌شود براساس چشم‌اندازی که این شرکت در نظر دارد، در ادامه از این سکونتگاه برای انتقال افراد به سیاره مریخ هم استفاده شود. پس دیگر، نگران سفرهای فضایی‌تان نباشید!

ساخت اسپیکر ماسه‌ای با چاپگر سه‌بعدی

این روزها اسپیکرهای زیادی با مواد مختلفی از جمله چوب، پلاستیک و بتن با استفاده از چاپگر سه‌بعدی ساخته و راهی بازار می‌شود. به‌تازگی یک شرکت با کمک فناوری سه‌بعدی، اسپیکری ساخته که جنس آن از شن و ماسه است. به گفته کارشناسان، در ساخت این اسپیکر از دریا الهام گرفته شده و شکل آن نیز شبیه یک موجود دریایی به نام جوجه‌تیغی سیاه است. بدنه آن از سه تکه تشکیل شده‌است. هر قسمت به‌صورت مجزا ساخته می‌شود و روی پایه‌هایی از جنس آلومینیوم قرار می‌گیرد. عملکرد اسپیکر ماسه‌ای با انواعِ مشابه اش در بازار تفاوتی ندارد؛ پخش موسیقی از طریق بلوتوث و امکاناتی از این دست. اما ایده و جنس‌اش، خلاقیت بلندپروازانه‌ای بوده‌است که این روزها دیدنش دیگر تعجبی ندارد.

منابع: سرپوش ایسنا

آثار شما

خداحافظی زمستان

مهدیه سادات علوی. ۱۷ ساله | نویسنده

زمستان، این مادر سپیدموی طبیعت، از میان روزها و ماه‌های سرد عبور می‌کند و سرانجام کوله‌بارش را به دوش بهار می‌اندازد. زمستان، این خالق بی‌منت دانه‌های کوچک برف و شادی‌های بزرگ، از پیچ و خم‌های بسیار می‌گذرد و خیلی زودتر از پایان واقعی‌اش، عزم رفتن می‌کند؛ در میانه اسفندماه، سوز و سرمای خود را از سر راه جوانه‌های نازکِ تازه و شکوفه‌های نوجمع می‌کند و راهی می‌شود. حالا این فصل سرد و گرم چشیده در میان بوهای گرم و دلنشین با ما وداع می‌کند. زمستانِ پاک سفید، آغازی است به بلندای یلدا و پایانی به کوتاهی خوش نوروز.

کمیک

پویش‌هایی که در نوروز راه میفتن

ایده و اجرا: محمدپور - مرادی

• پویش «نه به ماهی قرمز»

• پویش «نه به مهمانی زورکی»

• پویش «نه به شیرینی ناپلئونی»

• پویش «نه به توقع بی‌جا برای عیدی»